



بررسی تحلیلی مدیریت شهر در آراء فارابی

سید ابوالفضل سید مهدوی چابک^{1*}، حسن قلی زاده

1- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، chabok.up@gmail.com

2- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، ariaan.gholizade@gmail.com

چکیده:

مبحث شهر و اداره یک شهر از جمله مباحث کلیدی است که در طول تاریخ مورد توجه بسیاری از متفکران از جمله متفکران اسلامی بوده است. همچنین فارابی یکی از اولین متفکران اسلامی است که در مورد شهر و شهرنشینی صحبت کرده است. او در کتاب های خود ارای اهل مدینه فاضله و سیاست المدینه دیدگاه های خود را در باره شهر آرمانی بیان کرده و مدینه فاضله خود را ترسیم کرده است. همچنین وی سلسله مراتب اجتماعی و نحوه ارتباط شهروندان و نظام اجتماعی را ترسیم کرده و راه های رسیدن به سعادت و مدینه فاضله را بیان کرده است. بدین ترتیب هدف این نوشتار بررسی جایگاه و نقش رهبری و مدیریت شهر از منظر این متفکر بزرگ اسلامی و معلم ثانی است. باور این پژوهش آن است که در آراء فارابی مهمترین رکن شهر مدیریت و مدیر شهر است و بین توسعه شهر و مدیر شهر ارتباط مستقیمی وجود دارد. روش تحقیق در این پژوهش بر اساس روش توصیفی-تحلیلی بوده که از منابع اسنادی و کتابخانه ای استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که فارابی در مورد رهبر و نحوه حاکمیت شهر، به عنوان مهمترین رکن اداره شهر صحبت کرده و مدیریت شهر و بحث حاکمیت را از جمله نیاز های اساسی یک مدینه فاضله دانسته است.

واژه های کلیدی: مدینه فاضله، فارابی، مدیریت و اداره شهر، زندگی اجتماعی



مقدمه

با تأمل در تاریخ اندیشه ی اجتماعی مسلمین، می توان اذعان نمود اولین متفکری که در جهت ترکیب و ارتباط چارچوب های متفاوت نظری اقدام نموده ابو نصر فارابی است. فارابی مؤسس فلسفه ی اسلامی قلمداد شده است. [1] او از جمله اولین کسانی است که با ایده آرمانشهری خود نوعی نگرش جدید در میان متفکرین و فلاسفه ایجاد کرد. مدینه فاضله او ترسیمی آرمان گرایانه از جامعه ایست که راه حقیقی را کمال آدمی و سعادت او میداند. از این رو توجه به نظریات فارابی در مورد شهر و نحوه اداره آن میتواند سنگ بنای مهمی در حل مشکلات مدیریت شهری در حال حاضر باشد. مطالعه حاضر سعی دارد به این سوال پاسخ دهد که نقش رهبر و رئیس شهر در یک جامعه آرمانی چیست و همچنین نحوه اداره شهر از دیدگاه این فیلسوف و متفکر بزرگ با چه رویکرد هایی همراه بوده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش بر اساس روش توصیفی- تحلیلی بوده که از منابع اسنادی و کتابخانه ای استفاده شده است. همچنین از پایان نامه ها و مقالاتی که در آن از انگاشت های این مقاله صحبت شده نیز استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

جدول 1- پیشینه پژوهش (نگارندگان، 1395)

ردیف	نام پژوهشگران	سال	نام پژوهش	اهداف و نتایج
1	مرتضی بحرانی	1393	بدایت و نهایت دوستی مدنی در فلسفه فارابی	نویسنده به تبیین و تحلیل جایگاه دوستی مدنی و مبدأ و غایت دوستی در مدینه نزد فارابی نهاده است و با روش تحلیل فلسفی به متن آثار فارابی رجوع کرده و بدایت و نهایت مطلق دوستی و دوستی مدنی را در فلسفه فارابی به بحث گذاشته است. محور مقاله این است که فارابی به دوستی مدنی به مثابه امری پیونددهنده نگاه می کند. [2]
2	یارعلی کرد فیروزجایی محمدصادق تقی زاده طبری	1392	نسبت حکمت و شهروندان مدینه فاضله از دیدگاه افلاطون و فارابی	در این مقاله پس از تبیین ماهیت مدینه فاضله به بیان طبقات گوناگون اهالی این آرمانشهر از منظر این دو فیلسوف می پردازد و سپس نقش حکمت را در سطح شهروندان این جامعه تبیین میکند و قیاسی بین آرای این دو فیلسوف صورت میگیرد. از نتایج آن این است که فارابی برای نیل به غایت اعضای مدینه فاضله خود را به بدن تام و صحیح آدمی تشبیه نموده است و وی همه شهروندان را شایسته فراگیری حکمت می داند. [3]
3	مرتضی بحرانی	1392	شیو ههای زندگی انسا نهایی فاضل در مدینه های غیرفاضله	می گوید که اگر در مدینه های غیرفاضله، انسا نهایی فاضل، منفرداً، بخواهند زندگی فاضلان های داشته باشند، چه سبکی از زندگی می تواند سنگ بنای زیست آنها باشد؟ فلاسفه اسلامی، با عطف توجه به یک چالش فرهنگی جهت زیست فاضلان، در این خصوص نظریات مختلفی را داده اند. فارابی گزینه هایی چون: رفتن از مدینه غیرفاضله به مدینه فاضله؛ زیست غربیانه در مدینه غیرفاضله؛ و یا تسلیم مرگ شدن به جای زندگی در مدینه غیرفاضله را پیش می کشد. [4]
4	احمد پور احمد لیلیا حبیبی مریم جعفری	1391	نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت	به بررسی آرای مربوط به مقوله شهر و شهرنشینی از دیدگاه معلم ثانی و کاربرد آن در دانش برنامه ریزی شهری بخصوص در امر مشارکت شهروندان می پردازد. با بررسی های بدست آمده می توان نتیجه گرفت که دیدگاه های مطرح شده فارابی با دیدگاه ای معاصر اندیشمندان امروزی قرابت و تشابه زیادی دارد و



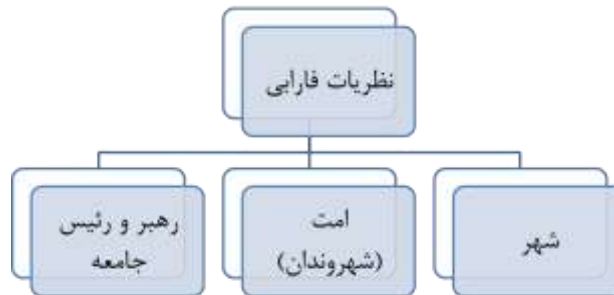
می توان گفت که ما با انسانی جمع گرا و البته شهرگرا روبرو هستیم که آینده نگری خاصی نسبت به امور شهری دارد. [5]	شهروندی		دولت آبادی	
میگوید که فارابی در تبیین اندیشه های تربیتی خود با الهام از مبانی دین اسلام، انسان را موجودی از خدا و عائد به سوی خدا می داند. و در واقع، در سایه تعلیم و تربیت صحیح، افراد آمادگی ایجاد مدینه فاضله ای را پیدا می کنند که دستیابی به سعادت جز از طریق تحقق آن امکان پذیر نیست. طرح این گونه تعلیم و تربیت و در نتیجه، سعادت از سوی فارابی در دیدگاه های فلسفی او ریشه داشته و با توجه به ایده آلی و انتزاعی بودن، تا حدی دستیابی به آن را دور از دسترس می نماید گرچه فارابی در مباحث تربیتی خود، بخصوص موضوعات فلسفی و اهداف اجتماعی تربیت، بسیار متأثر از افلاطون است، اما زبان او در بیان اصول تربیتی و اخلاقی، زبان قرآن و دین اسلام است. [6]	مبانی اندیشه های تربیتی فارابی	1390	کوندی	5
هدف تحقیق نگاهی به اندیشه های ابونصر فارابی، جستجوی آن دسته از اندیشه های اوست که در دنیای امروز به نظر اکثر متفکران می تواند در تحلیل واقعیت های موجود به کار آیند. از این رو به جای تمرکز بر روی الگوی فارابی در مدینه فاضله، درباره مدینه های غیر فاضله، یعنی مدینه های جاهله، فاسقه، ضاله و مبدله جستجو شده است. بنظر می رسد که این آراء که مبتنی بر هستی شناسی و معرفت شناسی بومی ماست، از توانایی تحلیل در زمینه بحرانهای جهانی معاصر برخوردار است و روشن شد که الگوی فارابی در "مدینه های غیر فاضله" کارآیی لازم در این قلمرو یعنی تحلیل آثار ادبی را دارا است و می تواند در تربیت فلسفی نسل جوان نقش موثری ایفا نماید. [7]	رویکرد فلسفی به ادبیات بر اساس نگاه فارابی به مدینه های غیر فاضله	1390	روحیه نظیری پور	6
نقش هنر و هنرمند را در مدینه فاضله فارابی بررسی میکند و می گوید که هنرمند مدینه فاضله در کنار خطبا که حقایق عقلی را با روش های اقناعی انتشار می دهند، سعی در ترویج سعادت معقول و معارف و حیانی با شیوه های تصویر سازی یا تخیل و محاکات دارد. [8]	هنر به مثابه راهبرد فرهنگی در اندیشه فارابی	1389	نادیا مفتونی	7
می گوید که ه نظر می رسد جای طرح یک ساختار نظری از این اندیشه، به شیوه ای که بتوان آن را با اندیشه های دیگر متفکران اجتماعی مقایسه نمود خالی است. در این مقاله، سعی بر آن است با مروری دقیق بر اندیشه اجتماعی فارابی، تا حدّ توان این خلأ برطرف گردد. با بررسی اندیشه فارابی، این نتیجه حاصل می شود که اندیشه اجتماعی او نه تنها از یک چارچوب نظری برخوردار است، بلکه اساس آن بر یک مبانی بسیار دقیق عقلانی - و حیانی استوار است که همین ارزش والایی به این نظریه بخشیده است. علاوه بر آن، انسجام درونی این اندیشه نیز بسیار قوی است، به گونه ای که کمتر نقصی بر آن وارد است. [9].	اندیشه های اجتماعی فارابی	1387	قاسم جوکار	8
نویسنده دیدگاه های اجتماعی سعدی را با مبانی جامعه ی آرمانی فارابی می سنجد. و می گوید که آرمان شهر فارابی برگرفته از اندیشه ی یونانی و نو افلاطونی است که با آموزه ه ای دینی و بویژه تفکرات شیعی در آمیخته است. [10]	جامعه ی آرمانی در نگاه فارابی و سعدی	1385	نجف جوکار	9

فارابی در نظریات خود درباره مسائل گوناگونی از جمله شهر (نظریه معروف او مدینه فاضله) صحبت کرده است. و وی همچنین روابط میان مردم و حکومت و ویژگی های هر یک را بیان کرده است. سلسله مراتب اجتماعی، ویژگی های هر گروه از شهر و روابط بین آن ها را بیان کرده و همچنین مدینه های غیر فاضله را ترسیم کرده است. از آنجاییکه در بیشتر پژوهش ها به بیان شهر (مدینه فاضله) و شهروندان این شهر آرمانی فارابی سخن گفته شده و کمتر به ویژگی های مدیریت شهر و رهبر جامعه به عنوان



یکی از کلیدیترین قسمت‌های یک مدینه فاضله پرداخته شده است. در این پژوهش سعی بر آن شده که به این بعد و ویژگی خاص (مدیریت و رهبری جامعه) به عنوان یک نقطه کلیدی و مهم در ایجاد مدینه فاضله پرداخته شود.

نمودار 1- موضوعات مورد بررسی در نظریات فارابی (نگارندگان، 1395)



مبانی نظری

آراء فارابی

کتاب‌های بسیاری از فارابی به رشته تحریر در آمده که از مهمترین آن‌ها می‌توان به سیاست‌المدینه و اندیشه‌های اهل مدینه فاضله نام برد. در مدینه فاضله فارابی نظام جامعه از رئیس اول که هیچ کس خادم و مرئوس نیست، شروع می‌شود و به آخرین مرتبه هرم اجتماعی که فقط خادم است و کسی رئیس نیست پایان می‌یابد. در بینش فارابی، رئیس جامعه نقش اول را در نظام جامعه ایفاء می‌کند و تدبیر امور، مطابق دریافت رئیس مدینه از سعادت صورت می‌گیرد. رئیس اول به منزله قلب نظام و افراد جامعه است. هر چند افراد جامعه، الگوی فکری و عملی خود را رئیس اول قرار می‌دهند و تقسیم کار اجتماعی برحسب دوری و نزدیکی به رئیس تنظیم می‌شود، افراد از اختیار و آزادی عمل برخوردارند [11]

مردمانی که با فرمان‌روایی این پیشوا سر و سامان یابند، مردمانی با فضیلت و جامعه‌ای که با ریاست او تشکیل شود، مدینه فاضله می‌نامند. البته وی از وجود گروه‌ها و انگل‌ها و خودروها در آرمان شهر که خواهان مقام یا دگرگون کردن هستند نیز یاد می‌کند.

مراتب رهبری مدینه فاضله

در اندیشه‌ی فارابی رهبری و مدیریت کلان جامعه‌ی آرمانی دارای مراتب ذیل است که اگر هر یک ممکن نشد، مرتبه‌ی بعدی آن را بر عهده می‌گیرد:

1. حکومت فردی رئیس اول؛
2. پس از آن، رئیس تابع مماثل؛
3. ریاست سنت و تابع غیر مماثل = فقیه ترجیح دارد؛
4. با فقدان چنین افرادی، حکومت جمعی رؤسای سنت؛
5. شورای دو نفره که یکی حکیم و دیگری واجد ویژگی‌های دیگر باشد؛



6. اگر این هم ممکن نبود، از ریاست رؤسای افاضل شامل شورای شش نفره که هر کدام واجد یکی از ویژگی‌های شش گانه باشد و اگر کسی واجد 2 ویژگی بود، تعداد به کمتر تقلیل می‌یابد. شرط شورای فوق تلائم و هم‌آهنگی است. [12]

نمودار 2- مراتب رهبری مدینه فاضله فارابی (نگارندگان، 1395)



بعد از تشبیه رئیس اول به قلب و عضو رئیس، فارابی در سیاست مدینه می‌آورد: «و مدبر تلک المدینه شبیه بالسبب الأول الذی به وجود سایر الموجودات...» و او را به سبب اول که سایر موجودات ممکن‌القیام به ذات اویند، مانند می‌کند. در اجتماع ذی مراتب مدینه فاضله فارابی، ارزش هر عضو از این مدینه به نسبت دوری و نزدیکی وی به ریاست و رهبری متفاوت و متفاضل است. [13] به نظر دکتر داوری، اینکه فارابی رئیس مدینه را علت وجود و علت بقای مدینه می‌داند، بر این مبناست که وجه غالب فضای مدینه فارابی را عامل سیاست در برمی‌گیرد و سایر عوامل که در زندگی و سعادت افراد انسانی دخالت دارند، از آنجا که همگی در دست رئیس مدینه اند، تحت سیطره سیاست قرار می‌گیرند.

اهمیت و لزوم وجود جایگاه رئیس و رهبر در مدینه فاضله

رکن اصلی و اساسی مدینه فارابی رئیس و رهبر مدینه است. در نظر فارابی، نسبت رئیس اول به مدینه مانند نسبت سبب اول است به عالم. نخست باید او استقرار یابد تا هم مدینه و اجرای آن شکل گیرد و هم ملکات ارادی اجزا و افراد آن و ترتب مراتب آنها تحقق یابد. در این میان، اگر عضوی از اعضای آن مختل گردد، اوست که برای برطرف کردن آن، به او مدد می‌رساند. وی که به واسطه تخیل و یا از طریق عقل و حکمت به عقل فعال متصل می‌شود با دریافت فیض الهی، سبب تکوین و تنظیم امور مدینه و رفع کننده اختلال آن است، [14] اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن مدینه فاضله است. بنابراین در بحث از مدینه، با وجود توجه به اجزای دیگر، به نظر فارابی، به دلیل اصالت علم و دانایی، اساسی‌ترین و محوری‌ترین مسأله ریاست و رهبری است.



فارابی تربیت و کنترل نوابت را وظیفه رئیس مدینه فاضله می داند و در این راستا، چهار راه حل را پیشنهاد می کند: 1- اخراج از مدینه؛ 2- عقاب و کیفر؛ 3- گماردن به کار و بیگاری؛ 4- حبس و زندان [15]

مدینه فاضله فارابی برگرد رئیس مدینه شکل می گیرد و او به واسطه دانایی و ارتباط با عقل فعال و شناخت سعادت حقیقی، وظیفه رساندن مدینه به سعادت را بر عهده دارد. رئیس مدینه براساس آگاهی اش از اختلاف و تفاوت استعداد افراد مدینه، هریک از آنها را به تناسب توان و استعدادش تربیت می کند.

بنابراین به نظر می رسد که فارابی رئیس مدینه را مقدم بر مدینه می داند. در آراء اهل المدینه الفاضله آورده است: «همان طور که عضو رئیسه بدن، بالطبع، کامل ترین و تمام ترین اعضا، هم فی نفسه و هم در افعالی است که ویژه اوست...، رئیس مدینه نیز در آنچه ویژه اوست، کامل ترین افراد و اجزای مدینه است. هم چنان که در انسان قسمت قلب موجود می شود و سپس او سبب تکوین سایر اعضای بدن می گردد و سبب حصول قوت های اعضای بدن و تنظیم مراتب آنها می شود، وضع رئیس مدینه نیز چنین است که نخست باید او استقرار یابد و سپس او هم سبب تشکل و تحصیل مدینه و اجزای آن شود و هم سبب حصول ملکات ارادی اجزاء و افراد آن و ترتب مراتب آنها گردد. و حال موجودات عالم نیز چنین است. [16]

شرایط رئیس مدینه فاضله

در هر صورت، این رئیس مدینه است که ضامن رسانیدن اهل مدینه فاضله به سعادت حقیقی است و هم اوست که موظف به از بین بردن شرور ذاتی و ارادی است. از همین روست که رئیس مدینه باید صفات و خصال نیک ذاتی و ارادی را با هم داشته باشد. رئیس و رهبر مدینه فاضله باید دارای فضایل چهارگانه نظری، فکری، خلقی و عملی باشد. فضیلت نظری همان حکمت نظری است که شامل منطق، الهیات، ریاضیات و طبیعیات است. فضیلت فکری، عبارت است از علم به قوانین؛ و فضیلت خلقی هم داشتن سجایا و ملکات است. فضیلت عملی توانایی انجام یافته های نظری در جامعه می باشد.

الف) رئیس اول

«رئیس نخست کسی است که به طور مطلق نیازمند به رئیسی دیگر نیست که بر او ریاست کند؛ نه در کلیات و نه در جزئیات، نه در هیچ امری از امور؛ و بلکه بدان پایه ای باشد که همه علوم و معارف بالفعل او را حاصل شده باشد و در هیچ امری نیازمند به کس دیگر که او را رهبری و هدایت کند، نباشد و او را هم نیروی ادراک امور و وقایع تدریجی الوقوع باشد که هر آنچه متدرجاً و در طول زمان پیش آید در یابد و احکام آنها را بداند و هم نیروی ارشاد کامل داشته باشد که دیگران را در جهت آنچه می داند، از اعمال و کارهای خوب، هدایت و راهنمایی نماید؛ و نیز نیروی قوی و کامل داشته باشد که به وسیله آن، وظایف هرکس را به درستی معین کرده و هر کسی را به کاری که باید انجام دهد و معد برای آن می باشد رهبری کند و بدان امر بگمارد و نیز صاحب نیرویی بود که به وسیله آن، حدود وظایف و کارهای افراد را معین کرده، و آنان را به سوی سعادت سوق دهد.

این چنین انسانی در حقیقت و به نزد قدما پادشاه نامیده می شود و این همان انسانی است که باید گفت مورد وحی الهی واقع شده است؛ زیرا آن هنگام به انسان وحی می رسد که به این مرتبت از کمال نائل شده باشد؛ یعنی به مرتبه ای که بین وی عقل فعال و واسطه ای نمانده باشد. [17]

در جایی دیگر آمد است که در این مرحله است که خداوند به واسطه عقل فعال به او وحی می کند. پس اولین ویژگی رئیس مدینه فاضله این است که به او «وحی» شود و با این وصف، رئیس مدینه باید پیامبر باشد.

فارابی در آراء اهل المدینه الفاضله آورده است: «چنین انسانی، از آن جهت که فیوضات را از طریق عقل فعال به واسطه عقل مستفاد و عقل منفعل دریافت می کند، حکیم، فیلسوف، خردمند و متعقل نامیده می شود و از آن جهت که فیوضات عقل فعال به قوه متخیله او افاضه می شود، دارای مقام نبوت و انذار است» [18] او هر دو جنبه فلسفه و نبوت را در خود جمع کرده، از هر دو مجرای قوه مخیله و قوه ناطقه با عقل فعال و مجاری فیض الهی ارتباط دارد. وی هم واضع النوامیس است، هم فیلسوف و هم ملک.



فارابی علاوه بر فضائل چهارگانه ریاست مدینه، ویژگی ها و شرایط دیگری را نیز در سیاست مدینه و آراء اهل مدینه الفاضله و فصول المدنی برای رئیس اول بیان کرده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

- 1 - تام الاعضا بوده، قوه های او در انجام کارها توانمند باشد.
- 2 - خوش فهم و سریع الانتقال باشد.
- 3 - خوش حافظه باشد و آنچه را می فهمد و می بیند و می شنود و درک می کند، به حافظه بسپارد.
- 4 - هوشمند و با ذکاوت بوده، به ربط، مطابقت و درک روابط علی توانا باشد.
- 5 - خوش بیان بوده، زبانش از گویایی لازم برخوردار باشد.
- 6 - دوستدار تعلیم و تعلم باشد.
- 7 - در خوردن و نوشیدن و مسائل جنسی، مریض و آزمنند نباشد.
- 8 - کبیر النفس و دوستدار کرامت باشد.
- 9 - دوستدار راستی و راست گویان و دشمن دروغ و دروغ گویان باشد.
- 10 - به درهم و دینار و متاع دنیا بی اعتنا باشد. [19]

ب) ریاست تابعه مماثل

فارابی در زمان فقدان رئیس اول مدینه فاضله، برای حفظ و استمرار ایین او، ریاست تابعه مماثل را طرح می کند. این نوع ریاست متضمن شرط حکمت و اتصال به منبع فیض الهی است و وظایف و اختیارات آن مانند رئیس اول است و دارنده این مقام متولی امور دین و شریعت است.

رئیس تابعه مماثل، براساس مصلحت و به اقتضای زمان، خود به وضع قانون و یا تغییر و تکمیل قوانین رئیس اول می پردازد و ارتباط این رئیس با عقل فعال و یا به عبارتی همان فرشته وحی، برای تبیین و تشریح شریعت است. از همین روست که در بسیاری موارد، ریاست تابعه مماثل را مطابق با امامان شیعه دانسته اند. فارابی شش شرط حکمت، تعقل تام، جوده امتناع، جوده تخیل، و قدرت بر جهاد و سلامت بدنی را از شرایط رئیس مماثل می داند و وظایف و کارویژه ها و حاکمیت و مشروعیت الهی او را مانند رئیس اول می پندارد. [20]

ج) ریاست سنت

در صورت عدم امکان ریاست اول و تابعه مماثل، فارابی ریاست مدینه را به ریاست سنت می سپارد. او در کتاب المله می گوید چنانچه بعد از امامان ابرار، یعنی کسانی که رهبران حقیقی اند، جانشین مماثلی نباشد، همه سنتهای رئیس اول بدون کم و کاست و تغییر، حفظ و در اختیار رهبری غیر مماثل گذاشته می شود تا به آن عمل کند. او در اموری که تکلیف آن از سوی رئیس اول مشخص شده، به اصول مقدّمه رئیس اول مراجعه و از طریق آن، احکام امور مستحدثه و غیر مصرّحه را استنباط می کند تا همه امور و احکام وضع شده از سوی واضع شریعت را استخراج و استنباط نماید و تکلیف امت را روشن سازد. بنابراین کسی که متولی این امر است باید فقیه باشد. [21]

رئیس سنت که در زمان او نیاز به فقه بر مبنای عمل به اصول رئیس اول پدید می آید، باید شرایط شانزدهگانه اثبات ریاست رئیس اول را دارا باشد؛ چرا که این شرایط مبنای تحقق حاکمیت و ریاست در خارج و در مرحله عمل است و رئیس، اعم از رئیس اول و مماثل و رئیس سنت باید برخوردار از آنها باشند. رئیس سنت با فرشته وحی ارتباط ندارد و مسائل زمان خود را با فقهت پاسخ می دهد. معلم ثانی در احصا العلوم در تعریف فقه آورده است: صنعتی است که انسان را توانا می سازد که در مواردی که واضع شریعت به حکم تصریح نکرده است، با کمک آن به استنباط و استخراج احکام بپردازد. شرایط هشتگانه فارابی برای فقهت رئیس سنت، عبارتند از: شناخت شریعت؛ شناخت مقتضیات زمان؛ شناخت ناسخ و منسوخ؛ شناخت و آشنایی با زبان و لغت؛



آشنایی با ارزش ها و هنجارهای زمان نزول؛ شناخت استعمالات و استعارات؛ شناخت مشهودات زمان خطاب؛ شناخت روایت و درایت. [22]

د) رؤسای سنت

این نوع ریاست در جامعه فارابی زمانی مطرح می شود که یک فردی واحد که واجد شرایط ریاست سنت باشد، یافت نشود. معلم ثانی در آراء اهل المدینه الفاضله ریاست دو نفر را پیشنهاد می کند. او با تأکید بر عنصر اساسی حکمت، معتقد است حداقل یکی از دو نفر باید این شرط مهم و اساسی را دارا باشد و فرد دوم پنج شرط دیگر ریاست را؛ یعنی به صورت تکمیلی، شرایط رئیس سنت را دو نفر دارا باشند. [23]

رؤسای سنت می توانند در مدینه فاضله یا امت فاضله و یا معموره فاضله ریاست و حاکمیت داشته باشند.

ه) رؤسای افاضل

رؤسای افاضل در صورت عدم وجود رؤسای سنت اداره جامعه را به عهده می گیرند. آنها در مجموع باید همه شش شرط رؤسای سنت را دارا باشند؛ بدین نحو که رؤسای افاضل می توانند شش نفر باشند و هر فرد یکی از شرایط را داشته باشد و اگر فردی از رؤسای افاضل بیش از یک شرط داشت، به همان نسبت از تعداد افراد کاسته می شود. تا به سه نفر برسد و از این کمتر، دیگر رؤسای سنت است.

شرط مهم و متمایز این نوع رهبری وجود سازش بین افراد شورای رهبری است، که در جامعه، به سازگاری حوزه های مختلف منتسب به شرایط هر یک از رؤسای افاضل، می انجامد. [24]

اصل اساسی در رؤسای مدینه فاضله، داشتن حکمت است، به گونه ای که اگر روزی فرارسد که شروطی که درباره رئیس دوم گفته شد در یک فرد جمع نشود و هر فردی متخلف به یکی از آن صفات باشد، باز جمع افراد در مدینه اداره مدینه را به عهده بگیرند. این وضع ادامه دارد، ولی اگر زمانی فرارسد که افراد همه خصایص را داشته باشند، ولی «حکمت» را، که از شرایط اساسی رئیس مدینه است، دارا نباشند، مدینه فاضله رو به تباهی و از بین می رود.

جمع بندی

در این پژوهش که با عنوان بررسی نقش و جایگاه رئیس و رهبر جامعه در شهر در نظریات فارابی بود در ابتدا سلسله مراتب رهبری یک شهر (مدینه فاضله) بررسی شد و در مراحل بعد به بیان لزوم وجود و نقش رئیس و رهبر جامعه در یک شهر پرداخت و معلوم گردید که نه تنها وجود چنین جایگاهی در یک مدینه فاضله لازم است بلکه در واقع از وجود رهبر جامعه مدینه فاضله شکل می گیرد. و، ارزش هر عضو از این مدینه به نسبت دوری و نزدیکی وی به ریاست و رهبری متفاوت و متفاضل است. در قسمت های بعدی ویژگی های اخلاقی و رفتاری رهبری در این آرمانشهر ذکر شد و معلوم گردید که رهبر این مدینه فاضله کسی است که واجد صفات دوازده گانه تندرستی، هوشمندی، راست گویی، والامنشی، دادگری، دلیری، درک قوی، حافظه ی توانا، فصاحت در بیان، علاقه ی به علم، پرهیز از گناه، بی اعتنایی به ثروت باشد. و همچنین سلسله مراتب رهبری این شهر در صورت فقدان رئیس اول با ذکر ویژگی های هر یک ذکر شد.

نتیجه گیری

هدف این پژوهش بررسی جایگاه مدیریت شهری در یک آرمانشهر است و معلوم گردید که نه تنها وجود چنین جایگاهی در شهر لازم است بلکه یکی از پایه های اصلی مدینه فاضله رهبری و مدیریت جامعه است. ویژگی های رئیس جامعه و حدود اختیارات او وی را از بقیه ساکنان جدا ساخته و به منزله قلب این شهر آرمانی است. در صورت عدم همچنین نقشی اصلا مدینه فاضله ای وجود نخواهد داشت. هدف فارابی از مدینه فاضله رسیدن به سعادت است. سعادت حقیقی برای تمامی اعضا و شهروندان



این شهر و این مهم بدون وجود رهبر و رئیس جامعه ممکن نخواهد بود. همانطور که خود فارابی عنوان کرده است "مردمانی که با فرمان روابی این پیشوا سر و سامان یابند، مردمانی با فضیلت و جامعه ای که با ریاست او تشکیل شود، مدینه فاضله می نامند" فارابی با تفکر و اندیشه سلسله مراتب رهبری و مدیریت بر مدینه فاضله را ترسیم کرده و شرط حکمت را شرط اصلی این جایگاه قرار داده است.

مراجع

- [1] آزاد ارمکی، تقی. اندیشه ی اجتماعی متفکران مسلمان؛ از فارابی تا ابن خلدون، تهران، سروش، 1374
- [2] بحرانی، م. بدایت و نهایت دوستی مدنی در فلسفه فارابی، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره 2، بهار 1393، ص 91-109
- [3] فیروزجایی و همکاران. نسبت حکمت و شهروندان مدینه فاضله از دیدگاه افلاطون و فارابی، مجله علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره 61، بهار 1392
- [4] بحرانی، م. شیوه های زندگی انسا نهی فاضل در مدینه های غیرفاضله، نگاهی فلسفی به یک وضعیت چالش برانگیز فرهنگی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ششم، زمستان 1392، ص 155-175
- [5] پور احمد، ا و همکاران. نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی، فصلنامه باغ نظر، شماره 21، سال نهم، تابستان 1391.
- [6] کوندی، مبنای اندیشه های تربیتی فارابی، نشریه معرفت اخلاقی، سال سوم، شماره اول، زمستان، 1390، صفحه 45 - 64
- [7] نظیری پور، ر. رویکرد فلسفی به ادبیات بر اساس نگاه فارابی به مدینه های غیر فاضله، فصلنامه حکمت و فلسفه، شماره دوم، زمستان 1388
- [8] مفتونی، ن. هنر به مثابه راهبرد فرهنگی در اندیشه فارابی. مجله راهبرد فرهنگ، شماره دهم و یازدهم، تابستان و پاییز 1389
- [9] جوکار، ق. اندیشه های اجتماعی فارابی. معرفت شماره 127 - تیر 1387
- [10] جوکار، ن. جامعه آرمانی در نگاه فارابی و سعدی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و پنجم، شماره سوم، پاییز 1385
- [11] رجبی، م و دیگران. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، تهران، سمت، 1378، چاپ اول.
- [12] سجادی، س. اندیشه های اهل مدینه فاضله، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1378.
- [13] داوری اردکانی، ر. فارابی مؤسس فلسفه اسلامی، 1354، ص 170 - 172.
- [14] سجادی، س. اندیشه های اهل مدینه فاضله، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1378.
- [15] خوشرو، غ. شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون، 1374، انتشارات اطلاعات؛ ص 57.
- [16] سجادی، س. سیاست مدینه، تهران، چاپ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1379.
- [17] سجادی، س. اندیشه های اهل مدینه فاضله، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1378.
- [18] مهاجرنیا، م. اندیشه ی سیاسی فارابی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم، 1380
- [19] همان
- [20] محمدی کیا، ط. بررسی مدینه فاضله فارابی، مجله دانش پژوهان - پاییز و زمستان 1383، شماره 6
- [21] همان
- [22] همان



[23] همان

[24] مهاجرنیا، م. اندیشه ی سیاسی فارابی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم، 1380